

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صد و دوم، ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس) // مباحث متفرقه بورس - راههای فرار از ربا / بیع عینه

1- حدیث اخلاقی (مراقبات بعد از ماه مبارک رمضان)

اولین جلسه بعد از تعطیلات ماه مبارک رمضان است. چند مطلب عرض می‌شود:

1-1، لزوم حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان

1-2، انس داشتن و دوستی با حضرت حق

«تو اول بگو با کیان زیستتپس آن گه بگویم که تو کیستی [1]»

1-3، ارتباط با ادعیه و رعایت تقوای الهی

1-4، انس با قرآن

رزقنا الله إيانا وإياكم. ان شاء الله بتوانیم مدیریت مان را در زمان نهادینه کنیم.

2- خلاصه جلسات گذشته

2.1- اقسام ربا

بحمدالله در مباحث بورس، بحث به اینجا رسید که خط قرمزها و علایم خطر را بررسی کنیم. مرزهای ممنوع و حد خطر را در معاملات بورس بیان کنیم. گاهی با یک کلمه حرام، یا حلال می‌شود. معاملات بورس، نباید غرری و ربوی باشد. در بحث ربا گفتیم ربا دو قسم است؛ ربای معاملاتی و ربای قرضی. بحمدالله نظر ما این است که نظام اقتصادی اسلام، از هر نظامی بازتر است. آنها که می‌گویند بسته است، به لطایف مسائل اقتصادی اسلام نرسیدند. مسائل مستحدثه، یعنی با نیاز زمان ببینیم در فقه ما مطرح شده است، یا خیر.

2.2- دو مبنا در معاملات جدید

دو مبنا داشتیم:

2.3- لزوم تطبیق معاملات جدید با نظر شارع

قبل از تعطیلات گفتیم که سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی صاحب‌عروه که پر از فروع است، گفتند: حصر در معاملات را قبول نداریم؛ ایشان فرمودند: «وحصر المعاملات فی

المعهودات ممنوع [2]. «مبنایی است که باید در آن عنایت شود. عرض ما این است که معاملاتی که در هر زمانی می‌آید، باید دید با محدوده‌های شارع تطبیق دارد، یا خیر؟ در زمان شارع هم معاملاتی را تایید کردند و برخی را رد کردند. باید دید از موارد آری یا نه در نظر شارع است. شارع، آری و خیر دارد.

اگر شارع نظر روشن نداد، به این معنا نیست که نظام معیشت مردم ضیق است و محدودیت دارد. اگر محدودیت دارد، راه‌های برون‌رفت را بیان کرده است. «إنما يحل الكلام و يحرم الكلام»؛ [3] کلامی باعث حلّیت و کلامی باعث حرمت است. مرز حلال و حرام، گاهی یک کلمه است. بازار ممنوعه و غیر ممنوعه باید مشخص شود.

2.4- حکمت تحریم ربا

راه‌های برون‌رفت در ربای معاملاتی را گفتیم. در ربای قرضی هم باید راه‌های برون‌رفت را بگوییم. در کمتر جوامعی است که وام نباشد. با مشکلات معیشتی مردم نیاز به وام، زیاد است. تنگنای معیشتی را به سوء مدیریتی می‌دانیم، یا نشناختن قوانین اسلامی و یا عمل نکردن به آن. شارع مقدس، تمام راه‌های معیشت را بیان کرده است. اگر ربا را ممنوع کرده، چون ضیق معیشت می‌آورد. اسلام و نظام اقتصادی دنبال وسعت است، نه تنگنا. اینکه نظام اقتصادی اسلام محدود است، قبول نداریم. نه اینکه بی‌قید و بند باشد، رها و گسسته نیست. آن چیزی که بیان کرده است، با دید باز بیان کرده است. هیچ قانون‌گذاری مانند شارع مقدس، دستش باز نیست. شارع مقدس، نماینده خدایی است که آن‌گونه که بعضی از یهود می‌گفتند: ﴿اللّٰهُ مَغْلُوبٌ﴾، دستش بسته نیست.

2.5- توصیه به مسئولان بورس و نظام اقتصادی

شارع مقدس اگر ربا را حرام کرد، در مقابلش، به اشراف معاملات ربوی، راه‌هایی باز کرده است که اصلاً معاملات ربوی، دیده نشود. اگر کسی سراغ معاملات ربوی رفت، دستورات شارع را ندیده، یا نرسیده است. باید انسان، تکلیف‌مدار باشد.

در معاملات ربوی به خصوص در بازار بورس، مدیران محترم که معیشت مردم دست آنها است و خدا به آنها لطف کرده که اداره امور مردم به عهده آنها است، چه نظام اقتصادی و چه بازار معمولی و بازار بورس، باید خوب مدیریت کنند و معیارهای اسلامی را رعایت کنند. متوجه راه‌های برون‌رفت از ربا باشند و مشروع را جای ربای نامشروع بگذارند. وظیفه مدیران اسلامی است که قوانین اسلامی را بفهمند و اجرا کنند. فقیهان، مرزشناسان حلّیت و حرمت هستند. يحل الكلام و يحرم الكلام را فقیه می‌فهمد، مانند پزشک در مسائل تخصصی‌اش. فقیه

به استنباط و تطبیق حدود شارع می‌پردازد، نه خصوصیات جوّ و زمان نزول. شاید حکم ما با زمان شارع یکی باشد، ولی تفاوت موضوعی داشته باشد. هنر فقیه، تطبیق حکم کلی بر جزئیات است. باید مثال‌شناس باشیم. قاعده تمثیل در زمان‌های مختلف بیان می‌شود.

3- بحث جدید: راه‌های برون‌رفت از ربای قرضی

4- بیع عینه

یکی از راه‌های ظریف، بیع عینه بود. اهمیت زیادی داشت و در روایات مختلف هم بیان شده است. به همین لفظ هم بیان شده است. هم لفظ و هم معنایش در روایات وجود دارد که باید بشناسیم. برخی آن را بیع سلف می‌دانند.

4.1- تعریف بیع عینه در کتب لغت

در کتاب العین - که اولین کتاب لغت نزدیک به عصر ائمه علیهم‌السلام و صادیقین علیهما‌السلام است، تعریف بیع عینه آمده است:

«والعینة: السلف، وتعين فلان من فلان عينة، وقد عینه فلان تعیننا[4].»

در لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۰۶ و همچنین مصباح المنیر [5] هم این را مطرح کرده است.

4.2- تعریف بیع عینه و حکم آن در کتب فقها

4.2.1- ابن ادریس حلی رحمه‌الله

قبلاً گفتیم فقها هم مطرح کردند. ابن ادریس حلی در سرائر می‌گوید: بیع عینه، این است که کالایی را نسیه بخرد و همان را نقدی به قیمت کمتر بفروشد:

«أن يشتري سلعة بثمن مؤجل ثم يبيعها بدون ذلك نقداً، ليقضي ديناً عليه، لمن قد حلّ له عليه، و يكون الدين الثاني و هو العينة من صاحب الدين الأول، ليقضيه بها الدين الأول[6].»

4.2.2- محقق اردبیلی رحمه‌الله

مرحوم محقق اردبیلی در مجمع الفائدة و البرهان کتاب گزیده و خوبی است. ایشان عبارت زیبایی دارند که داریم گزیده می‌گوییم:

«الظاهر عدم الخلاف في صحة البيع لو اشترى الإنسان ما باعه نسيئة قبل الأجل بأزيد مما باعه، أو انقص، والمثل حالا ومؤجلاً، بجنس ما باعه وبغيره، بشرط ان لا يشترط في العقد الأول بيعه عليه[7].»

چیزی را به مدت خرید و بدون مدت، به زیاده یا نقصان می‌فروشد.

یک قسم آن، مؤجّل است. اقسام مختلفی دارد؛ به قیمت کمتر یا بیشتر، یا همان قیمت. همان جنس یا غیر آن به شرط اینکه در بیع اول بیع را شرط نکند. دو بیع را وابسته به هم نکند.

آنچه منع دارد، شرط گذاری در معامله است که در ریای قرضی بیفتد. می‌گوید به مدت دار می‌دهم؛ این اگر بدون شرط باشد اشکالی ندارد.

«فكان الإجماع دليلاً ، وكذا أدلة صحة العقود ، مثل أَوْفُوا وَاَحَلَّ اللهُ الْبَيْعَ وَالنَّاسُ مَسْلُطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَتِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ وَغَيْرِ ذَلِكَ ، مع عدم المانع من ذلك عقلاً ولا شرعاً [8].» اطلاقات می‌فرماید: این معامله را شامل می‌شود. کسانی که در بورس فعالیت دارند، اگر می‌خواهند سهام یا اوراقی بخرند، اگر به صورت مدت‌دار خواستند انجام دهند، در صورت مستقل بودن اشکال ندارد به هم مرتبط نکنند. همان سودی که می‌خواهند در معامله ربوی داشته باشند، با معامله عینه می‌توانند داشته باشند. در معاملات قرضی کسی پولی و وامی گرفته، می‌خواهد خرید و فروش کند، اگر به صورت بالا باشد، به کم یا زیاد عیبی ندارد. وام به شرط بیع و بیع به شرط وام متفاوت است. بیع می‌کند به شرط وام و یا معامله می‌کند و ضمن آن می‌گوید: چنین پولی می‌دهم.

4.2.3- سایر فقها

مرحوم صاحب جواهر در جواهر، ج ۲۳ ص ۱۰۸-۱۱۱ همین مطلب را آوردند. عبارت طولانی است، ملاحظه بفرمایید.

در ریاض المسائل، ج ۵، ص ۱۳۴ معامله عینه مطرح شده است.

4.3- جمع بندی تعریف معامله عینه

معامله عینه یعنی نقد و نسیه. اگر این نقد و نسیه مترتب باشند، جایز نیست، ولی اگر هر یک مستقل باشند، جایز هستند؛ چه از همان شخص و چه از دیگری. کسی کالایی را نسیه بخرد و بعد نقد یا نسیه، کمتر یا بیشتر یا همان قیمت، به شخص دیگر یا همان شخص بفروشد.

4.4- اقسام معامله عینه

معامله عینه، دو صورت دارد: صورت جایز معامله عینه، این است که بعد از تمام شدن مهلت، به کس دیگر بفروشد و مترتب به معامله اول نباشد. صورت دوم اینکه مترتب بر معامله اول باشد، به شرط قبلی، این صورت اشکال دارد.

4.5-روايات معامله عينه

4.5.1-روايت اول

صحيحه اسماعيل بن عبد الخالق وسائل ج ١٨ ص ٥٣، ابواب احكام العقود باب ٨ ح ١٤:

وعن عدة من اصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن إسماعيل بن عبد الخالق قال: «سألت أبا الحسن عليه السلام عن العينة وقلت: «إن عامة تجارنا اليوم يعطون العينة، فأقص عليك كيف نعمل؟ قال: هات، قلت: يأتينا المساوم يريد المال فيساومنا وليس عندنا متاع فيقول: اربحك ده يازده، وأقول أنا: ده دوازده فلا نزال نتراوض حتى نتراوض على امر فاذا فرغنا: قلت أي متاع احب إليك أن أشتري لك؟ فيقول: الحرير، لانه لا يجد شيئاً اقل وضيفة منه، فأذهب وقد قاولته من غير مبايعة، فقال: أليس إن شئت لم تعطه، وإن شاء لم يأخذ منك؟ قلت بلى، قال: فأذهب فأشتري له ذلك الحرير، وأماكس بقدر جهدي، ثم أجيء به إلى بيتي فأبايعه، فربما ازددت عليه القليل على المفاوضة، وربما أعطيته على مفاوضته، وربما تعاسرنا فلم يكن شيء، فاذا اشترى مني لم يجد احداً أغلى به من الذي اشتريته منه فيبيعه مني، فيجيء ذلك فيأخذ الدراهم فيدفعها إليه وربما جاء ليحيله عليّ، فقال: لا تدفعها إلا إلى صاحب الحرير، قلت: وربما لم يتفق بيني وبينه البيع به وأطلب إليه فيقبله مني، فقال: أليس إنه لو شاء لم يفعل ولو شئت انت لم تزد؟ فقلت: بلى لو أنه هلك فمن مالي قال: لا بأس بهذا اذا انت لم تعد هذا فلا بأس به [9].»

اشكال ندارد كه معامله ای كند و جنسی را با مهلت بخرد و نقدی بفروشد. شاید کسی سرمایه هم نداشته باشد. این معامله عینه برای کسی است كه سرمایه ندارد، ولی می تواند خرید و فروش كند. با كمال صراحت و صداقت و اخلاص عرض می كنم كه بازار اسلامی و اقتصاد اسلامی حتی برای بی پول ها هم باز است. اگر اعتباری دارد، نسیه بگیرد و معامله كند و بعد بدهی را بدهد. ولو این جنس را به خود همان فرد بفروشد. قصد سود است. وقتی راه حلال باز است، چرا راه حرام برویم.

روایت از امام رضا (علیه السلام) و صحیحہ است.

4.5.2-روايت دوم

وسائل الشیعه، ص ٤١، باب ٥، ح ٤:

وعن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن أبي عمير، عن حفص بن سوقة، عن الحسين بن المنذر قال: «قلت لابي عبدالله عليه السلام: يجيئني الرجل فيطلب العينة

فأشترى له المتاع مرابحة ثم أبيعته إياه، ثم اشترى منه مكاني قال: إذا كان بالخيار إن شاء باع، وإن شاء لم يبع، وكنت أنت بالخيار، إن شئت اشتريت، وإن شئت لم تشتري فلا بأس، فقلت: إن أهل المسجد يزعمون أن هذا فاسد، ويقولون: إن جاء به بعد أشهر صلح، قال: إنما هذا تقديم وتأخير فلا بأس [10].»

4.5.3-روایت سوم

روایت دیگر هارون بن خارجه است؛ وسائل، ج ۱۸، ص ۴۴، ابواب عقود، باب ۶، ح ۴: وعن أبي علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان بن يحيى، عن هارون بن خارجه قال: «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام عينت الرجل عينة فحلت عليه، فقلت له: اقضني، فقال: ليس عندي فعيني حتى اقضيك، فقال: عينه حتى يقضيك [11].»

بحث عینه مطرح شده، چون مشخص می کند چنین چیزی باشد.

4.5.4-روایت چهارم

صحيحه ليث مرادى از امام صادق عليه السلام:

محمد بن الحسن بإسناده عن الحسين بن سعيد، عن صفوان، عن ابن مسكان، عن ليث المرادي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «سأله رجل زميل لعمر بن حنظلة عن رجل تعين عينة إلى أجل، فإذا جاء الاجل تقاضاه فيقول: لا والله ما عندي ولكن عيني أيضا حتى اقضيك، قال: لا بأس ببيعه [12].»

4.5.5-روایت پنجم

صحيحه ابى بكر حضرمى، ح ۲، همان باب:

وعنه، عن أحمد، عن علي بن الحكم، عن سيف بن عميرة، عن أبي بكر الحضرمي قال: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجل تعين ثم حل دينه فلم يجد ما يقضي، أيتعين من صاحبه الذي عينه ويقضيه؟ قال: نعم [13].»

4.5.6-روایت ششم

صحيحه منصور بن حازم، باب ۸، ح ۱۲، ص ۵۸:

وإسناده عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن سيف بن عميرة عن منصور بن حازم قال: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل طلب من رجل ثوبا بعينه، قال: ليس عندي هذه

دراهم فخذها فاشتر بها، فأخذها فاشترى بها ثوبا كما يريد، ثم جاء به، أيشتره منه؟ فقال: أليس إن ذهب الثوب فمن مال الذي أعطاه الدراهم؟ قلت: بلى، قال: إن شاء اشترى وإن شاء لم يشتر؟ قلت: نعم، قال: لا بأس به [14].»

اگر سلب اختیار نشود، جایز است.

4.5.7-روایت هفتم

ح ۱۱ را هم ملاحظه کنید.

وعنه، عن صفوان، عن منصور بن حازم قال: «قلت لابي عبدالله عليه السلام: الرجل يريد أن يتعين من الرجل عينة فيقول له الرجل: أنا أبصر بحاجتي منك فاعطني حتى أشتري، فيأخذ الدراهم فيشتري حاجته، ثم يجيء بها إلى الرجل الذي له المال فيدفعه إليه فقال: أليس إن شاء اشترى، وإن شاء ترك، وإن شاء البائع باعه، وإن شاء لم يبع؟ قلت: نعم، قال: لا بأس [15].»

4.5.8-روایت هشتم

در برخی روایات آمده است که باید بیع اول به بیع دوم شرط نشده باشد؛ ص ۴۲، باب ۵، ح ۵:

وإسناده عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن يونس الشيباني قال: «قلت لابي عبدالله عليه السلام: الرجل يبيع البيع، والبائع يعلم أنه لا يسوى والمشتري يعلم أنه لا يسوى إلا أنه يعلم أنه سيرجع فيه فيشتره منه قال: فقال: يا يونس ان رسول الله صلى الله عليه وآله قال لجابر بن عبدالله: كيف أنت إذا ظهر الجور وأورثهم الذل، قال: فقال له جابر: لا بقيت إلى ذلك الزمان، ومتى يكون ذلك بأبي أنت وأمي؟ قال: إذا ظهر الربا يا يونس وهذا الربا فإن لم تشتريه رده عليك؟ قال: قلت: نعم، قال: فلا تقربنه فلا تقربنه [16].»

5-نتیجه

نتیجه اینکه از راه‌های برون رفت از معاملات ربوی و آنچه شارع برای باز بودن تجارت اسلامی و کار انسان‌های بی‌سرمایه بیان کرده است، معامله عینه است. نسیه معامله کند و بعد نقدی بفروشد، به شرطی که شرط نکند و بعد قرض را بدهد. یک کسی که معامله بورس می‌کند، می‌تواند در صورتی که اعتبار داشته باشد، هزاران معامله به صورت وام یا شارژ حساب خودش داشته باشد.

6- خلاصه درس

بسم الله الرحمن الرحيم

- (1) معاملات بورس، نباید غرری و ربوی باشد.
 - (2) ربا دو قسم است: ربای معاملاتی و ربای قرضی.
 - (3) نظام اقتصادی اسلام، از هر نظامی بازتر است. آنها که می‌گویند بسته است، به لطایف مسائل اقتصادی اسلام نرسیدند.
 - (4) دو مبنا در فقه داریم:
_ معاملات محدودی در فقه است که معاملات جدید باید با آنها تطبیق و تجویز شود.
_ معیارها در دین آمده و در صورت تطبیق با معاملات جدید، صحیح است. این مبنا، درست است.
 - (5) بازار ممنوعه و غیر ممنوعه باید مشخص شود.
 - (6) ما تنگنای معیشتی امروز را به سوء مدیریت، یا نشناختن قوانین اسلامی و یا عمل نکردن به آن می‌دانیم.
 - (7) اگر اسلام ربا را ممنوع کرده، به خاطر این است که ضیق معیشت می‌آورد. اسلام و نظام اقتصادی، دنبال وسعت است، نه تنگنا.
 - (8) وظیفه مدیران اسلامی است که قوانین اسلامی را بفهمند و اجرا کنند؛ فقیهان، مرزشناسان حلیت و حرمت هستند.
 - (9) وام به شرط بیع و بیع به شرط وام متفاوت است.
 - (10) بازار اسلامی و اقتصاد اسلامی، حتی برای بی‌پول‌ها هم باز است. اگر فرد اعتباری دارد، نسیه بگیرد و معامله کند و بعد بدهی را بدهد.
 - (11) از راه‌های برون رفت از معاملات ربوی، معامله عینه است. نسیه معامله کند و بعد نقدی به شرطی که دو معامله را به هم مشروط نکند.
 - (12) در بورس می‌توان به صورت نسیه و قرضی معامله کرد.
-

[1] گلستان سعدی.

[2] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٥، ص ٣٣٠.

[3] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٥٠، أبواب أحكام العقود، باب ٨، ح ٤، ط آل البيت.

[4] كتاب العين، الخليل بن أحمد الفراهيدي، ج ٢، ص ٢٥٥.

[5] المصباح المنير، القيومي المقرئ، أحمد بن محمد بن علي، ج ١، ص ٢٢٨.

[6] السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي، ابن إدريس الحلبي، ج ٢، ص ٢٠٥.

[7] مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، المحقق المقدس الأردبيلي، ج ٨، ص ٣٣٠.

[8] مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، المحقق المقدس الأردبيلي، ج ٨، ص ٣٣٠.

[9] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٥٣، أبواب أحكام العقود، باب ٨، ح ١٤، ط آل البيت.

[10] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٤٢، أبواب أحكام العقود، باب ٥، ح ٤، ط آل البيت.

[11] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٤٤، أبواب أحكام العقود، باب ٦، ح ٤، ط آل البيت.

[12] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٤٤، أبواب أحكام العقود، باب ٦، ح ٥، ط آل البيت.

[13] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٤٥، أبواب أحكام العقود، باب ٦، ح ٢، ط آل البيت.

[14] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٥٢، أبواب أحكام العقود، باب ٨، ح ١٢، ط آل البيت.

[15] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٥٢، أبواب أحكام العقود، باب ٨، ح ١١، ط آل البيت.

[16] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٤٢، أبواب أحكام العقود، باب ٥، ح ٥، ط آل البيت.

